

برگزاری نخستین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام در تهران

مرکز هنرهای تجسمی وزارت ارشاد با همکاری انجمن خوشنویسان ایران، نخستین جشنواره خوشنویسی جهان اسلام را با هدف نمایش آثار ارزشمند خطاطان و خوشنویسان ایران و کشورهای اسلامی و تشویق استعدادهای خلاق و نیز ایجاد تحرک و تلاش بیشتر و تداوم فعالیت‌های تحول آفرین در بخش هنر خوشنویسی و معرفی ریشه‌های زیبایی شناختی خوشنویسی از ۲۰ بهمن ماه ۷۵ (مصادف با عید سعید فطر) تا ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۷۶ در تالارهای موزه هنرهای معاصر تهران، فرهنگسرای نیاوران، مجموعه فرهنگی آزادی و تالار وحدت برگزار می‌کند.

جشنواره خوشنویسی جهان اسلام، شامل نمایشگاههایی با موضوع آزاد و در زمینه‌های زیر برگزار می‌شود:

□ خوشنویسی: خطوط مختلف، قطعه نویسی، سیاه مشق و کتابت
□ خطاطی: کاربردهای گوناگون، کتیبه نویسی، خطاطی بر روی بوم و ترکیب با مواد دیگر (سفال، پارچه، فلز و...)

□ کاربردهای گرافیکی: طراحی نوشته‌ها، حرف نگاری و طراحی نشانه نوشته (آرم).

این جشنواره در بخشهای زیر برگزار می‌شود:

○ گردمایی خوشنویسان جهان اسلام ○ ابزار شناسی ○ پژوهش و تحقیق ○ تجلیل از پیشکسوتان ○ بزرگداشت متقدمان خوشنویسی ○ بررسی کتب خطی قدیمی ○ نمایش مجموعه‌ای دیگر از شاهنامه طهماسبی.

■ نمایشگاه نقاشی کودکان در نگارخانه برگ

○ نمایشگاهی از آثار نقاشی کودکان و نوجوانان (شاگردان توران زندیه) از ۲۴ دی در نگارخانه برگ دایر شده است.

○ دومین نمایشگاه گروهی زنان (شمسه) در نگارخانه برگ افتتاح شد. هنرمندان این گروه عبارتند از: مرجان حاج حسین علی، فاطمه رجب دوست، فاطمه ناطقی فر، زهرا قاسمی، ستاره حسینی، ملیحه کاظمی، مریم کاظمی، لیلا سلمانی مرجان، سارا دخت دارابی، فرح سعیدی، فاطمه باقرپور، مریم نجفعلی، فائقه بهبودی، رکساند هوشمندوزیری، آزاده صوفی سیاوش، آویشه رسایی منش، لیلا افجه ای، پونه کامکار، رفته عمادی، فرانک خائف، شهرناز کشتکاران، محبوبه فامیلیان و فریده زریور.

مشاور هنری

جبار آذین

● تلفن مستقیم: ۳۱۱۱۲۰۴

■ فقط سه شنبه‌ها و پنج شنبه‌ها از

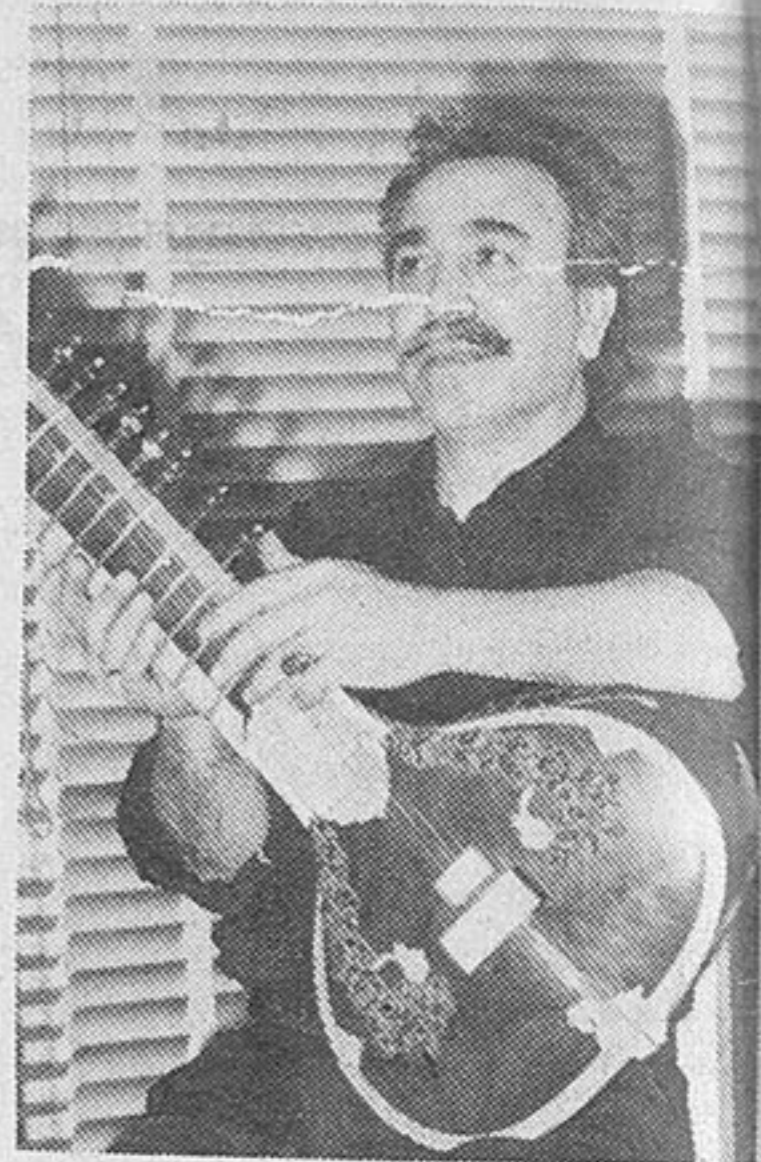
ساعت ۹ صبح تا ۲ بعد از ظهر

□ موسیقیدانان ایرانی در یک نگاه (۷)

آنجا سپری کرد و تا آن زمان حتی در دوران خدمت وظیفه مشغول نقاشی و ورزش بود. در ده سالگی نوازنده کمانچه کش دوره گردی توجه او را به خودش جلب می‌کند و او با زحمت زیاد از سیم ترمز دوچرخه کمانچه‌ای می‌سازد. این موضوع اولین جرقه در دوران کودکی‌اش در ارتباط با موسیقی بود. سالاری هنگام رفت و آمد به مدرسه در کوچه زند آبادان ساعتها پشت دیوار کلاس آموزش موسیقی برادران معارفی می‌ایستاد و به تدریس معلم موسیقی ویلن گوش می‌کرد. این پیش زمینه‌ای شد برای تشخیص صحیح صداها در آینده تا جایی که بتواند نوازندگی کند قبل از آن سازها را به درستی کوک می‌کرد. سالاری در زمینه فعالیت‌های ورزشی نیز در رشته‌های ژیمناستیک، شنا و شیرجه و پینگ پنگ مقام اول را به مدت سه سال از آن خود می‌کند. او با مشورت اساتید دانشگاه هند، به خصوص دکتر «حسن احمد» که نامه‌های اقبال لاهوری را به چاپ می‌رساند. برای تحصیل موسیقی سنتی شمال هند (سنجیت پاهادانی کرامیک) نزد استاد دکتر «شرما» در دانشگاه دهلی معرفی می‌شود و سبک «راوی شانکار» را به طریق سینه به سینه آموزد. سالاری در دانشکده موسیقی (Pandifh Bahatkhand) در هفته‌های اول آموزش روحی تازه یافته بود و به سرعت پیشرفت می‌کرد و مدت ده ساعت در روز تمرین داشت. او به مدت هفت سال در هند ماند و در آغاز انقلاب اسلامی به کشورش بازگشت. وقتی همراه با چند ساز معروف که نشانه تمدن اسلامی در هند بود، وارد فرودگاه مهرآباد می‌شود ماموران فرودگاه از دیدن جعبه‌های بزرگ سازها تعجب می‌کنند. و یکی از آنان می‌گوید: «ما انقلاب کردیم که امثال این سازها را از بین ببریم و...» سالاری در جواب می‌گوید «اینها اسلحه‌های من هستند در جهت تقویت روح غنی فرهنگی کشورمان و در جبهه فرهنگی می‌توان با اینها به جنگ دشمن رفت و مطمئن باشید روزی به درد این جامعه خواهند خورد.»

بخشی از کار اصلی سالاری ساز تراشی یا همان ساختن ساز است. خیلی از سازها را می‌سازد، ولی میدان پهلوانی او ستور است. سازهایش خوش صدا، مستحکم، خوشخوان و کوک پذیرند. وی برای ساختن هر نوع ستور - یا واضح تر: در آوردن هر نوع صدای مورد درخواست نوازنده، چه کریستالی و چه مخملی و پیانویی - توانایی دارد.

چندی پیش در دانشگاه سوره، در حضور هیات علمی و دانشجویان و مسئولان طی چهار ساعت ستور کاملی ساخت و به دانشگاه تقدیم کرد. ممکن است بعدها این کار را عده دیگری هم بکنند. ولی افتخار پیشگامی آن با «داریوش سالاری» است و خواهد ماند. وانگهی معلوم نیست کسی سالاری شود و به پای او برسد در کشوری که سالهاست هیچ موسسه‌ای یا انستیتویی برای شناخت و پرورش استعدادهای صنعتی - هنری وجود ندارد و افراد صاحب استعداد، خودشان به فریاد خودشان می‌رسند، حداقل کاری که می‌شود انجام داد، حمایت معنوی و مادی از افرادی است که نه اهل کاسبکاری و سری سازی هستند و نه جنجال و مطربی و مجلس آرای و صمیمانه در راه خدمت به موسیقی و هنر زحمت می‌کشند.



داریوش سالاری

مردم ایران و هند به خاطر سوابق فرهنگی، اختلاط قومی و مشابهتهای هنری از بسیاری جهات به ویژه فرهنگ موسیقایی ارتباط مستحکمی با هم دارند. مقامهای موسیقی هندی با مقامهای موسیقی ایرانی نوعی پیوستگی، همخوانی و همصدایی مشترک دارند. مثلاً راگاها هم خانواده راک‌ها هستند و مقام راک کشمیر این ارتباط دو فرهنگ را نشان می‌دهد. اصولاً ریشه موسیقی هند را از ایران می‌دانند و از زمانی که امیر خسرو دهلوی شاعر و ادیبان دان نامدار ایرانی به هند مهاجرت می‌کند او سازهای سارود، سی‌تار، ستور هندی، سارنگی، شهنا و طبلا را رواج می‌دهد و سبک موسیقی قوالی را در هند بنا می‌کند.

داریوش سالاری به دلیل همین ارتباط فرهنگی و موسیقایی ترجیح می‌دهد که موسیقی هند و سازهای سینار و طبلا را فرا بگیرد تا بتواند در کشور خودش این فرهنگ را که ریشه و تبار ایرانی دارد حفظ و احیاء کند. داریوش سالاری، متواضع‌تر از آن است که لقب «استادی» را قبول کند. اصلاً کاری به این حرفها ندارد، کار خودش را می‌کند و هر کسی که بایستی او را بشناسد، می‌شناسد. سالاری، صمیمی و خونگرم و متولد ۱۳۲۹ آبادان است تحصیل کرده و زبان دان و صنعتگری ماهر است. مدرک تحصیل علوم سیاسی را از دانشگاه معتبر (A.M.U) (علیگهر مسلم یونیورسیتی) هند دارد و در موسیقی هم که عشق اصلی اوست، بیشتر از آنچه به نظر می‌آید کار کرده. شاید بتوان گفت تنها موسیقیدان ایرانی است که موسیقی شمال و جنوب هند را این طور خوب می‌شناسد و این طور خوب می‌نوازد. علاقه‌مندان شاهد اجرا و سخنرانی وی در بیست و ششمین کنسرت پژوهشی آموزشی تالار اندیشه بوده‌اند.

پدر سالاری در شرکت ملی نفت آبادان شاغل بود و او دوران دبستان تا دبیرستان را تا سال ۱۳۴۸ در